

بررسی مسائل اجتماعی
در محیط زیست

دکتر ژینوس هاشمی :





محیط عبارتست از فضا باضافه مجموعه‌ای از روابط . محیط ما را می‌سازد و ما محیط را می‌سازیم و این ساختن و ساخته شدن ایجاد رابطه‌ای می‌نماید این رابطه بین ما و محیط زیست ما ، بین ما و محیط انسانی ما و بین هر يك از ما با دیگری وجود دارد . در کنار روابط بین انسانها ، روابطی بین انسانها و اشیاء موجود است که رابطه دوم متأثر از رابطه اول می‌باشد . لازمه ساختن و ساخته‌شدن یکنوع تحرك خاص است که نتیجه آن تغییرات و تحولاتی است که همراه با حرکت زمان بوجود می‌آید و ادامه می‌یابد . آنچه محیط را می‌سازد هدف ، روش و چگونگی این تحرك است و برای ایجاد هرگونه رابطه در این محیط باید این چگونگی قابل لمس و شناخته شده باشد .

جوامع غربی تحول و تغییر را در مسیری بطئی بتدریج پیمودند و ما تحول را غیر تدریجی و سریع می‌پیمائیم ، و در این راه متکی به آگاهیهای خاصی هستیم که از نتایج تجارت دنیای غرب حاصل گردیده . این سرعت متضمن نوآوریهای سخت پذیرا و دیرجذب است که خود باعث بروز مسائل متعدد و خاصی می‌شود . این مسائل در جوامع در حال تحول بطور مداوم با تغییر شکل‌هایی منوط به شرایط خاص محیط خود ادامه می‌یابند ، و خود باعث بوجود آمدن مشکلات پی‌گیر دیگری می‌گردند . بروز این مسائل مانع طی طریق صحیح و مطلوب تحولات می‌باشد . بدین ترتیب تحول خود باعث بروز مسائلی است که این تغییر و تحول را - مشکل‌تر می‌گرداند و این معما همچنان ادامه می‌یابد .

برای شناخت و سپس حل این مسائل باید يك مطالعه همه‌جانبه و وسیع در محیط‌زیست انجام شود . در این بررسی شناخت بافتهای جامعه اولین اقدام خواهد بود . مرحله بعدی مطالعه مسائل موجود در محیط‌زیست و بالاخره شناخت چگونگی پیدایش این مسائل می‌باشد .

در اینجا مسیر پیدایش يك مسأله مورد نظر است ، و قبل از آن چگونگی تشخیص مسأله اجتماعی مطرح می‌گردد . شاید بتوان گفت که وضعیت خاصی که در نظر اکثریت مردم از طریق آزردهنده جلوه نماید يك مسأله اجتماعی است ، و عامل مکان و زمان در این جلوه نمودن نقش قابل ملاحظه‌ای را دارند . توافق درباره مسأله جلوه نمودن يك مشکل اجتماعی بستگی به محیط‌زیست دارد . در يك شهر كوچك و یا يك منطقه مطرح بودن يك مسأله اجتماعی بستگی به توافق اکثریت مردم دارد ،

در حالیکه در يك شهر بزرگ هم صدا بودن تنها عده‌ای از مردم جلوه‌گرها و حاد بودن يك مسأله اجتماعی را تأیید می‌نماید . برای مثال استفاده از مراکز و تأسیسات تفریحی در يك روز تعطیل مذهبی در يك روستا یا شهر كوچك ایجاد مسأله می‌نماید ، در حالیکه در يك شهر بزرگ فقط ممکن است با مخالفت عده‌ای از مردم روبرو گردد .

در مورد عامل زمان روند شناخت و نحوه روبرو شدن جامعه با مسأله مطرح می‌گردد . بدین ترتیب که ممکن است يك مسأله اجتماعی مدتها قبل از آنکه بصورت «مسأله» شناخته شود وجود داشته ، و مردم درباره آن بصورت يك مسأله اجتماعی فکر نکنند . برای مثال در گذشته در جوامع توسعه نیافته میزان مرگ و میر نوزادان بسیار بود ، ولی تنها زمانی که با پیشرف دانش پزشکی و توسعه وضع اقتصادی و اجتماعی این کشورها موفق شدند از میزان مرگ و میر کودکان بکاهند ، بالا بودن میزان تلفات نوزادان بصورت يك مسأله اجتماعی جلوه نمود . عبارت دیگر زمانی که آگاهی توأم با يك اقدام منتج به نتیجه بوجود آمد ، مرگ نوزادان را که خواست خداوندی تلقی می‌کردند بصورت يك مسأله اجتماعی شناختند . عبارت دیگر این شناخت مسأله زمانی بوجود آمد که اولین قدم در راه حل آن مسأله برداشته شد .

مثال دیگر در مورد مسکن می‌باشد ، سالهای متمادی مردم در واحدهای مسکونی با شرائط غیر انسانی و غیر بهداشتی و ناسالم زندگی می‌کردند و متوجه کمبودهای خود در این مورد بخصوص نبودند . سپس تحول در نوع مسکن بوجود آمد و در این تحول ساکنین واحدهای مسکونی قدیمی و ناسالم نقشی برعهده نداشتند ، و نتیجه آن تغییر و تحول آن بود که امروزه همه مردم حتی افراد ساکن در زاغه‌ها نیز زاغه‌نشینان را يك مسأله اجتماعی بحساب می‌آورند .

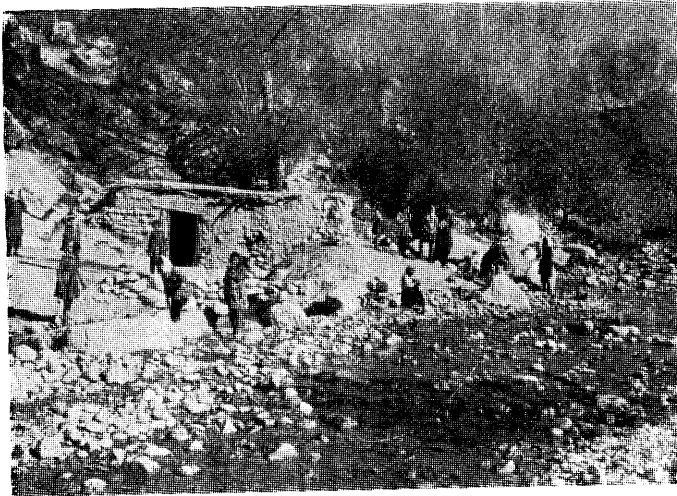
غیر از عامل زمان و مکان که در جلوه‌گرهای خاص مسائل اجتماعی نقش بسیار مهمی را دارند شکل و ترکیب يك جامعه نیز در شدت و یا حل يك مسأله اجتماعی نقش مهمی را دارا می‌باشند . برای مثال اگر جامعه کشاورزی ، نو صنعتی و صنعتی را در نظر بگیریم ، بکار بردن ویدئو برش موازین اخلاقی و پایبندی به اصول مذهبی در این جامعه‌ها متفاوت خواهد بود همچنانکه از جامعه کشاورزی بسوی يك جامعه صنعتی جلو برویم ، این موازین و اصول نیز شدت خود را از دست داده ، متناسب با شرائط محیطزیست انسانها تغییر می‌نمایند .

بدین ترتیب می‌بینیم که مسائل اجتماعی متأثر از عامل زمان و مکان و شکل جامعه می‌باشند . حتی گاهی این عوامل موانعی در راه حل نمودن آنها بشمار می‌روند . در اینجا می‌توان

مسائل را از نظر قابلیت حل بدو دسته تقسیم کرد . اول مسائل غامض و پیچیده و دیر پائیده که ریشه‌های عمیقی دارند و کوشش جمعی نیز در زمانهای کوتاه مدت برای حل آن مؤثر نمی‌باشند . دوم مسائل نوپیدائی که با بررسیهای همه‌جانبه و وسیع و مطالعه و شناخت و پی‌گیری امید بیشتری به حل آنها موجود است .

نمونه دسته اول را در جامعه‌های صنعتی و نمونه دسته دوم را در جامعه‌های در حال توسعه میتوان یافت . تقسیم‌بندی دیگری که اغلب برای مسائل اجتماعی بکار می‌رود اینستکه : مسائل اجتماعی را بدو دسته : مسائل روستائی و مسائل شهری تقسیم می‌نمایند . در حالیکه نه مسائل شهری کاملاً شهری بوده و نه مسائل روستائی کاملاً روستائی می‌باشند و بررسی هر يك بطور جداگانه امکان پذیر نیست ، بلکه مسائل شهری و روستائی اغلب بصورت نسبی در هم ادغام می‌شوند . امروزه در کشورهای در حال توسعه آنچه در مورد شهر و روستا می‌توان مشخص نمود ، مسأله فرد ، و نقش فرد در خانواده و جامعه است . در يك جامعه صنعتی فرد واحدی در بازار کار بشمار می‌رود ، در حالیکه در جامعه روستائی فرد هنوز عضوی از خانواده است : مسأله دوم شکل خانواده می‌باشد . بدین ترتیب که در شهر ، خانواده‌ها تنها محیط مبادلات عاطفی است ، در حالیکه در روستا خانواده هنوز فونکسیون‌های متعدد خود را حفظ می‌کند .

عامل دیگری که مسائل اجتماعی شهر و روستا را از یکدیگر کاملاً متمایز می‌نماید ، وجود انواع واحدهای ساختمانی در محیطزیست شهرها است . بطوریکه مردم شهری در زندگی روزانه خود پیوسته با این واحدها که از قبیل خانه ، محل کار ، واحدهای



خدمات مانند فروشگاهها ، دفاتر ، مدارس ، بیمارستانها و غیره می باشد در تماس هستند . در اغلب موارد حتی زمان فراغت نیز در نوعی ساختمان مانند : پارکها ، باشگاههای ورزشی و غیره طی می شود . بدین ترتیب برای يك فرد شهری مسأله عدم تماس با طبیعت مطرح می گردد ، بطوریکه خاک را تنها در پارکها در نقاطی می توان یافت که قدم زدن بر روی آن نیز مجاز نیست و هوا نیز اغلب در مدت شبانه روز توسط لوله های تهویه هوا با آنها می رسد .

وجود واحدهای ساختمانی که جوابگوی انواع نیازمندیهای انسانی هستند بر روی رفتار انسانها اثر می گذارد ، و در اینجا قابلیت انطباق افراد با محیط مطرح می گردد .

از این نظر که در جهان امروزی حالت دینامیک جامعه و تحرك اجتماعی از نظر صنعتی آموزشی و اجتماعی اجتناب ناپذیر است ، و از این نظر که در هر تحركی نیاز به انواع تطابق محیطی و رفتاری بچشم می خورد ، ایجاد و زایش مسائل در رابطه با جوابگویی به نسبت تطابق و شدت و لزوم این تحرك اجتناب ناپذیر خواهد بود . آنچه در اینجا لازم و ضروری جلوه می نماید چگونگی مواجه شدن و روبرو شدن ، شناختن ، پذیرفتن و بالاخره حل نمودن و یا بهتر بگوئیم قدمی در راه حل برداشتن مسائل خواهد بود .

از آنجا که امروزه تنوع جامعه های مختلف از طرفی ، و تضاد آنها از طرف دیگر مطرح است ، و از آنجا که ارتباط بین این جامعه ها پیوسته باعث تأثیر گذاری آنها بر یکدیگر می باشد ، برای بررسی هر گونه مسأله اجتماعی بخصوص در جوامع شهری شناخت نوآوریهای يك جامعه در درجه اول اهمیت قرار دارد . سپس رابطه نوآوریها با مسائل موجود مطرح می گردد . کشورهای صنعتی و پیشرفته تکنیک های صنعتی را با یکدیگر مبادله می نمایند ، و کشورهای در حال توسعه از کشورهای صنعتی مهارتهای خاصی را فرا می گیرند . در اینجا دو جامعه دهنده و گیرنده هر دو مطرح می باشد . در اینجا نه تنها چگونگی و محتوی تکنیک ها و مهارتهای صنعتی که رد و بدل می شوند حائز اهمیت است ، بلکه عوامل شناخته و پنهانی بسیاری که در این دادوستدها دخالت دارند قابل بررسی می باشند . چه بسا که این عوامل استفاده صحیح از آموختنیها را غیر ممکن و نوآوریها را تغییر شکل دهند . سپس مسأله ای که پیوسته در هر دادوستد تکنیکی ، آموزشی ، صنعتی و اجتماعی مطرح بوده پیش می آید . آنچه در جامعه اولین مفید و مؤثر بوده چگونه می تواند در جامعه جدید با تمام ضوابط و روابط خاص خودش قابل استفاده باشد ؟

باین ترتیب در يك جامعه در حال تحول ، و در يك جامعه